



بزرگ مرد کوچک

پسر کوچکی وارد داروخانه شد، کارتن جوش شیرینی را به سمت تلفن هل داد. بر روی کارتن رفت تا دستش به دکمه های تلفن برسد و شروع کرد به گرفتن شماره ای هفت رقمی. مسئول داروخانه متوجه پسر بود و به مکالماتش گوش می داد. پسرک پرسید:

- خانم ، می توانم خواهش کنم کار کوتاه کردن چمن های باغچه منزلتان را به من بسپارید ؟

زن پاسخ داد :

- کسی هست که این کار را برایم انجام می دهد.

پسرک گفت :

- خانم ، من این کار را نصف قیمتی که او می گیرد انجام خواهم داد.

زن در جوابش گفت :

- که از کار این فرد کاملا راضی است

پسرک بیشتر اصرار کرد و پیشنهاد داد:

- خانم ، من پیاده رو و جدول جلوی خانه را هم برایتان جارو می کنم، در این صورت شما در یکشنبه زیباترین چمن را در کل شهر خواهید داشت.

مجددا زن پاسخش منفی بود.

پسرک در حالی که لبخندی بر لب داشت ، گوشی را گذاشت . مسئول داروخانه که به صحبت های او گوش داده بود به سمتش رفت و گفت:

- پسرم ! از رفتار شما خیلی خوشم آمده ؛ به خاطر این که روحیه خاص و خوبی داری دوست دارم کاری بهت بدم.

پسر جوان جواب داد:

- نه ممنون، من فقط می خواستم عملکرد خودم را بسنجم . من همون کسی هستم که برای این خانوم داره کار می کنه.